

## از حالت مخاطره‌آمیز جرم‌شناسی بالینی تا جرم در معرض مخاطره قرار دادن جان و مال دیگری

علی‌رضا احمدی‌منش

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

علی‌رضا سایبانی\*

عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۶)

### چکیده

اصطلاح «مخاطره و خطر»، ابتدا در حقوق مدنی و در قلمرو صنعت بیمه پدیدار شد و منظور از آن حادثه زاینباری بود که تحقق و زمان آن قطعی و معلوم نیست؛ یعنی هر حادثه زاینباری که تحقق آن ممکن اما غیرقطعی باشد. در جرم‌شناسی بالینی، حالت خطرناک دارای شاخص‌های زیستی-روانی و اجتماعی و در واقع نوعی آسیب اجتماعی یا بیماری است و راهکارهای متناسب با این حالت تعریف و به‌منظور رفع آن نزد مجرم و محیط او اقدام می‌شود. به تدریج این مفهوم به قلمرو حقوق کیفری نیز وارد شد و مجموعه‌ای از رفتارهای ضد اجتماعی، مانند ترک کمک به اشخاص در مخاطره، وصف کیفری به خود گرفت و با ضمانت اجرا همراه شد. قانونگذاران برخی از کشورها مانند فرانسه در اصلاحیه قانون مجازات ۱۹۹۴، با دغدغه پایان دادن به رفتارهای خودخواهانه اشخاص، زرادخانه کیفری خود در این خصوص را تقویت کرده و عمل «در معرض خطر قرار دادن جان دیگری» را جرم‌انگاری کردند. بدین‌سان، به یک مفهوم، جدای از وجود و ورود زیان، توجه ویژه نشان داده شد و از بینش کلاسیک حقوق کیفری مبتنی بر مادی بودن صدمه فاصله گرفته شد. این رویکرد نوین در جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌زا، با دانش مخاطرات همسوست و با هدف پیشگیری از وقوع برخی از رفتارهای خطرناک، در راستای تحقق نوعی ایمنی در جامعه است. از این‌رو می‌توان شاهد حضور نوعی دانش مخاطرات در مفهوم گسترده آن در ادبیات قانونی بود که بدون محدودیت ماندن در مخاطرات حوزه جغرافیایی، بلکه هر نوع به مخاطره انداختن حیات اجتماعی و در معرض خطر قرار دادن سلامت و ایمنی جامعه را شامل می‌شود. در ادبیات جرم‌شناختی و حقوقی نیز، به تدریج توجه از خطرناکی افراد به خطرناکی رفتار سوق پیدا کرد، درحالی که وجود دانش مخاطرات در مفهوم کلان، پیشتر به ضرورت چنین رویکردی توجه نشان داده است. از این‌رو این دو مفهوم خطر و خطرناکی و تعامل آن با دانش مخاطرات و جلوه‌های تقنینی آن در حقوق کیفری ایران و فرانسه، با روشی کتابخانه‌ای و ابزار توصیفی-تحلیلی بررسی خواهد شد. در نتیجه به نظر می‌رسد که رویکرد کلان دانش مخاطرات به دلیل اهمیت ایمنی و تلاش برای تحقق آن، رویکردی مغفول در قانونگذاری جامع در حوزه‌های مختلف سلامت‌مدار قلمداد می‌شود و از این‌رو، مقتضی است با عبور از تکیه تک‌بعدی بر حالت خطرناک، به رهنمودهای دانش مخاطرات توجه کرد و آنها را در راستای دقت قانونگذاری و پیش‌بینی جرم به خطر انداختن سلامت دیگری به کار بست.

**واژه‌های کلیدی:** جرم بدون نتیجه، جرم پیشگیری، حالت خطرناک و مخاطره‌آمیز، در معرض خطر و مخاطره قرار دادن دیگری.

### مقدمه

مفهوم خطرناکی امروزه یکی از موضوعات پرکاربرد حوزه علوم جنایی است. در واقع علوم جنایی تجربی ضمن بازفعال‌سازی قوانین سابق در خصوص مرتکبان مکرر، به تولد مجموعه‌ای از مقررات کمک کرد که به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد عده‌ای را تحت عنوان «بزهکار خطرناک» برای دوره زمانی نامشخص حبس کند، در بازداشت موقت قرار دهد یا آزادی مشروط آنان را با محدودیت‌هایی مواجه سازد. در عرض همین خطرناکی، واژه ریسک نیز به ویژگی فراگیر و مهمی در زندگی معاصر تبدیل شده است که در قالب آن سیاست‌های کیفری، سیستم‌های تعیین مجازات و خدمات قابل ارائه از سوی کیفری را در نظام‌های حقوقی بسیاری از کشورهای پیشرو تحت تأثیر قرار داده است. بدین ترتیب، این جهت‌گیری در توجه به ریسک در حقوق کیفری، از دو منظر قابل بررسی است. نخست دغدغه پیشگیری از تکرار در چارچوب جرم‌شناسی بالینی و پس از آن تمایل به جرم‌انگاری رفتارهای خطرناک قبل از تحقق نتیجه مجرمانه. یعنی سیاست پیشگیرانه متمرکز بر رفتار و نه بر نتایج برآمده از آن. در واقع، حقوق کیفری به منظور پیشگیری مستقیم از حوادث علیه تمامیت جسمانی به‌سوی توسعه جرائم پیشگیرانه یا جرائم مانع یا به عبارت دیگر جرم‌انگاری رفتارهای پُرخطر، رفتارهای مولد و عامل خطر، صرف‌نظر از نتیجه زیانبار روی آورده است. این دو جهت‌گیری مختلف، یعنی خطر و خطرناکی در جرم‌شناسی بالینی بررسی می‌شود.

### خطر و خطرناکی در جرم‌شناسی بالینی

مفهوم خطرناک ابتدا در کنگره اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در سن پترزبورگ در سال ۱۸۹۰ و به مناسبت بحث در خصوص لزوم پیش‌بینی تدابیر اختصاصی سلب آزادی برای بزهکاران خطرناک مطرح شد [۲۵]. منظور از این تدابیر، نوعی حبس نامعین برای پایان دادن به خطر تکرارکنندگان مکرر و بزهکاران حرفه‌ای بود. توجیه جداسازی آنان از دیگر بزهکاران، اصرار بر نقض قانون و عادت در بزهکاری بود. در نهایت اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در کنفرانس سال ۱۹۱۰ ایده بازداشت نامعین برای بزهکاران خطرناک را پذیرفت، ایده‌ای که پس از آن در قالب قانون در مقررات کیفری مدرن وارد شد. در همین زمینه، قانون پیشگیری از جرم ۱۹۰۸ انگلستان بازداشت پیشگیرانه را در قبال بزهکاری که بعد از ۱۶ سالگی دارای سه فقره سابقه محکومیت باشد، پیش‌بینی کرد. البته باید ثابت می‌شد که وی عادت به زیست مجرمانه دارد. همچنان که قانون جنایی ۱۹۱۳ استرالیا غربی بزهکار به عادت را فرد بالای

۱۸ سال دانست که قبلاً دو سابقه محکومیت داشته و مجدد مرتکب جرم شده است.<sup>۱</sup> در بند ج از ماده ۱ از دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار که در تیرماه ۱۳۹۷ ابلاغ شد، مجرم خطرناک چنین تعریف شد: «مجرمی که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی وی و کیفیت ارتکاب و نوع جرم ارتكابی، او را در مظان ارتكاب جرائم مهم در آینده قرار دهد. تشخیص این امر به عهده دادستان است». بر این مبنا در تشخیص خطرناکی علاوه‌بر گذشته فرد، آینده وی ملاک است [۱۲].

بعد دیگر از تحولات مفهوم خطرناکی با گذر از معیارهای حالت مدار برخاسته از رفتار افرادی که خطرناک توصیف می‌شوند، به سمت معیارهای نوعی و عموماً اجتماعی سوق پیدا کرده‌اند که در قالب آن، جامعه و سلامت زیست اجتماعی در آن، اولویت اساسی و ارزش بسیار مهم تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> به همین منظور در عین وجود و استمرار حیات خطرناکی برخی از بزهکاران که با مؤلفه‌هایی چون شخصیت، عمل ارتكابی و سوابق مجرمانه شناخته می‌شوند، خطرناکی موضوع محور شد و افراد یا جرائم بسته به میزان صدمه احتمالی که به هریک از این موضوعات وارد می‌سازند به‌عنوان مجرمانه و پاسخ‌های کیفری پیش‌دستانه و دارای ویژگی توانگیری متصف شده‌اند.<sup>۳</sup> از میان این مؤلفه‌ها، موضوعاتی چون امنیت، سلامت، ایمنی، محیط زیست و غیره شایان ذکرند که قانونگذاران را به جرم‌انگاری رفتارهایی وادار کرد که احتمالاً خطرناک‌اند یا ممکن است به وقوع صدمه‌هایی منتهی شوند.

مقررات راجع به بزهکاران خطرناک بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۷۰ دارای مشخصه‌های زیر بود:

۱. استفاده اندک از مقررات راجع به خطرناکی: علی‌رغم نگرانی‌های منتهی به شکل‌گیری این قوانین، در عمل کمتر از آنها استفاده شد. برای مثال در طول ۴۰ سال حیات قانون در نیویورک، تا سال ۱۹۴۵ فقط ۶۰۵ نفر بزهکار به عادت شناخته و محکوم شدند. در آمریکا نیز این قانون در سال ۱۹۲۰ ابتدا ناظر به بزهکاران حرفه‌ای بود، اما بین سال‌های

۱. قانون سه ضربه در آمریکا Three Strikes Law

۲. توجه کلان به جایگاه ریسک در علوم جنایی را تحت عنوان کتاب ذیل می‌توان ملاحظه نمود، هرچند حوزه‌های محوری مورد بحث در تأثیر ریسک در این کتاب صرفاً به حالت خطرناک و برخی جنبه‌های مرتبط از جمله پیشگیری وضعی پرداخته شده است، درحالی که از بسیاری از حوزه‌های مورد نظر غفلت شده است [۷].

۳. از جمله تأثیرات شایان توجه نگرش خطرناک‌محور بر دیدگاه‌های کیفرشناختی است. این تأثیر با مفهوم کیفرشناسی نوین خودنمایی می‌کند. زیرا در این قالب، جرم و مجرم در چارچوب مفهوم خطر قابل درک است؛ تکنیک‌های نظام عدالت کیفری نیز همگام با این تغییر رویه پیش رفته و در مواردی، مدل‌های جدیدی از آن ایجاد شده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک. [۱۰].

۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ بیشتر روان‌پریشان جنسی را در بر گرفت. در اروپای غربی دادگاه‌های سه کشور ایتالیای فاشیست، آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی به‌طور معناداری از این تأسیس استفاده کردند [۲۵]. در حقوق کیفری ایران «دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار ۱۳۹۷»، با ایجاد ستادهای مرکزی، استانی و شهرستانی، مجال استفاده گسترده از این مقررات خطرناک‌محور را فراهم ساخته است [۱۷].

## ۲. اکراه قانونگذاران جوامع دموکراتیک در رها کردن قدرت سلب آزادی نامعین

**دادگاه‌ها:** اگرچه از مقررات راجع به خطرناکی به‌ندرت استفاده می‌شد، دولت‌های دموکراتیک در کنار گذاشتن اختیارات دادگاه‌ها از خود مقاومت به خرج می‌دادند و حتی بر حفظ آن در قبال کسانی که برای جامعه خطر داشتند در زرادخانه کیفری اصرار می‌ورزیدند.

**۳. تغییر مفهوم و شیوه محاسبه:** مفهوم خطر اگرچه در ابتدا قرین بزهکاران به عادت و حرفه‌ای بود، براساس ارزش‌های در حال تغییر جامعه، متحول شد و نشان داد که یک ساخت اجتماعی است. این مفهوم در سال‌های ۱۹۳۳، در انگلستان ناظر به مرتکبان جرایم جنسی علیه اطفال بود<sup>۱</sup> و در اواسط قرن بیستم، در آمریکا روان‌پریشان جنسی را در بر گرفت و در انگلستان پس از جنگ جهانی به بزهکاران عادی که بر تکرار بزه اصرار می‌ورزیدند تقلیل یافت. اما علاوه بر تغییر نگرش نسبت به تعیین مصداق، چگونگی درجه‌بندی خطر نیز متحول شد. بدین صورت که زین پس خطر نه صرفاً براساس جرائم ارتكابی سابق فرد، بلکه با توجه به لزوم حمایت از شهروندان در برابر بزهکاران محاسبه شد.<sup>۲</sup> از حدود سال‌های ۱۹۷۰ گرایش به سمت نوع جرمی که فرد ممکن است در آینده مرتکب شود و نه جرائم سابق شکل گرفت. اما دلیل گرایش به ارزیابی خطرناکی براساس معیار احتمال ارتکاب جرم در آینده چیست؟

ریسک و مخاطره در عصر حاضر در قلمرو اجتماعی از موقعیت ممتازی برخوردار است و موضوع اساسی گفت‌وگوی جوامع علمی محسوب می‌شود. آیا ریسک و مخاطره عصر حاضر بیش از دوران گذشته است؟ ریسک و مخاطره از جانب چه کسی و علیه چه کسی و مخاطره از

۱. در تفکر ریسک‌مدار ناظر به بزهکاران و همسو با ادبیات کیفرشناسی نوین، محکومان جرایم جنسی که دوران محکومیت خود را به اتمام رسانده‌اند، نیز در زمره گروه‌های خطرناک تلقی می‌شوند. به‌رغم پایان یافتن طول دوره محکومیت این اشخاص، افکار عمومی، همچنان خواهان برخورد شدید با این گروه خطرناک است. پیرو چنین احساس خطری، بسیاری از ایالات، اقدامات متعددی برای تأمین آسایش و امنیت خاطر شهروندان، ترتیب داده‌اند؛ اقداماتی که این گروه را در معرض نظارت قرار می‌دهد؛ مانند ضرورت معرفی و ثبت مشخصات این افراد در اداره پلیس مناطق محل ورود آنها یا مطلع کردن همسایگان این اشخاص از سوابق محکومیتی آنها.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص دیگر جنبه‌های مختلف مفهوم خطرناک و تحولات آن ر.ک. [۱۶، ۱۵۰۴].

چه چیزی؟ چگونه می‌توان آن را مدیریت، اندازه‌گیری یا پیش‌بینی کرد؟ چرا عوامل ریسک مطالعه می‌شود و در موقعیت خطر، مداخله صورت می‌گیرد؟ اینها سؤال‌هایی است که در «جامعه در معرض خطر» مطرح می‌شود [۱۸].

مفهوم خطر در طول قرن گذشته عمیقاً تغییر یافته است [۱۸، ۱۱]. این مفهوم تا مدت‌ها مرتبط و وابسته به فاجعه و تلفات انسانی و اغلب منتسب به تقدیر و قدرت ماوراءالطبیعه و مشی فرازمینی و به‌طور کلی پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر بود. توسعه علمی به تدریج نگرش انسان به جهان را تغییر داد، به گونه‌ای که اکنون بهتر آن را درک و مدیریت می‌کند و از خطر وابسته به وقایع و حوادث پیشگیری و از نتایج ناگوار آن می‌کاهد. افزایش عمر در بهبود کیفیت زندگی در جوامع کنونی، پوشش‌های بیمه‌ای بیماری‌ها و نتایج آن، فقر، بیکاری و حوادث جاده‌ای، نگرش ما را به زندگی متحول ساخته است.

این حساسیت جدید، بالطبع انتقادات جدید را ایجاد کرده است، به طوری که خطر علیه زندگی تا حد زیادی افزایش یافته، تهدیدکننده و به همان نسبت تحمل‌ناپذیر شده و تقاضا برای حمایت اجتماعی گسترش یافته است. این انتقادات به همان اندازه در قلمرو کنونی در خصوص حمایت دولت از شهروندان در برابر بزهکاران خطرناک، بزهکاران جنسی، بزهکاران مرتکب دائم خشن و ... وجود دارد. در این قلمرو نیز نظر کارشناسان برای ارزیابی و پیشگیری از ریسک با هدف تعیین موقعیت خطر و مدیریت آن و نیز گروه‌های در خطر اخذ می‌شود.

بزهکاران خطرناک هم شامل بزهکارانی است که از نوعی بیماری روانی یا سوء پیشینه‌های متعدد برخوردارند و هم بزهکارانی که نفس رفتارهایی که موضوع ارتکاب آنها قرار دارد، ریسک بزه‌دیدگی جمعی و بلکه بزه‌دیدگی جهانی را در پی دارد. این بزهکاران براساس رفتار و خطرناکی آن درجه‌بندی می‌شوند و در راستای پاسخ‌گیری و البته پیشگیرانه مؤثر در برابر آنها، با دسته‌بندی منسجم از احتمال خطرناکی رفتارشان، پاسخ درجه‌بندی‌شده‌ای نیز مدنظر قانونگذار قرار می‌گیرد. پاسخ‌های نظام عدالت‌گیری نیز براساس منطق ریسک که اساس مفهومی آن احتمالی بودن رفتار است، نظام‌مند می‌شود و از این حیث حقوق‌گیری با زرادخانه‌ای که لزوماً کیفری نیست، بلکه دامنه گسترده‌ای از پاسخ‌های اداری-انتظامی، پاسخ‌های مدنی مبتنی بر جبران خسارت و پاسخ‌های کیفری از جریمه‌های مالی گرفته تا حبس‌های دارای مدت‌های مختلف تعیین می‌شود. بر این اساس حقوق کیفری مبتنی بر منطق مخاطره‌شناسی، جرم‌شناسی مبتنی بر مخاطره‌شناسی، کیفرشناسی مبتنی بر مخاطره‌شناسی، آورده‌های مهمی هستند که تحت تأثیر مفهوم مخاطرات و در راستای ایمن‌سازی زیست اجتماعی اقدام می‌کنند.

### روش تحقیق

روش اتخاذشده در تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است، زیرا نویسندگان درصددند تا ضمن اشاره به مراحل فرگشت خطر و خطرناکی در جرم‌شناسی بالینی، به تحلیل وصف‌گذاری کیفری جرم به خطر اندازی و ایجاد مخاطره برای سلامت دیگران پرداخته شود. از آنجا که مخاطره‌شناسی ماهیت پیش‌بینی و پیشگیری دارد [۱۸]، از این حیث، با اشاره به رویکرد حقوق‌فرانسه در جرم به خطر اندازی ابعاد ارتباط میان حقوق کیفری و دانش مخاطرات، ارزیابی خواهد شد.

### بحث

#### ریسک و مخاطره‌شناسی به‌عنوان عنصر جرم‌پیشگیرانه

در فرض جدید، ریسک و مخاطره در یک رویکرد ذهنی، عنصر تشکیل‌دهنده زیان و جرم به حساب می‌آید و به مرتکب مربوط می‌شود. به‌عبارت دیگر مخاطره و ریسک به عنصر آشکارساز رفتار زیانبخش مجرمانه فرد برای فرد یا جامعه یا محیط تبدیل می‌شود. یعنی عمل مرتکب است که ریسک را ایجاد کرده و نه اقدام شخص، جامعه یا محیط بزه‌دیده. برای مثال فردی که در حین رانندگی، بدون دید کافی سبقت می‌گیرد یا تحت تأثیر مستی ناشی از مصرف الکل رانندگی می‌کند، جان دیگری را در معرض خطر قرار داده است. در این نوع جرم‌انگاری، بزه‌دیده کاملاً با این مخاطره بیگانه است، اما نتایج آن بر وی تحمیل می‌شود. در این چارچوب فکری است که حقوق کیفری در اقدامی پیش‌دستانه، به جرم‌انگاری و مخاطره‌شناسی رفتاری روی می‌آورد که به‌طور بالقوه ممکن است جان یا سلامت دیگری را در معرض خطر قرار دهد [۱۸، ۲۰].

#### الف) جرم‌انگاری در معرض خطر قرار دادن جان دیگری با رویکرد پیشگیری

بدین ترتیب، این نوع جرم‌انگاری از تحولی در حقوق کیفری حکایت می‌کند که خود این تحول نیز حاصل تقابل دو جریان عینی و ذهنی در حقوق کیفری است. دغدغه حقوق کیفری ذهن‌محور بر اراده مرتکب استوار است و حقوق کیفری عینی، بر نتیجه، زیان یا خسارت واردآمده تمرکز دارد. این دو جریان، در طول قرن‌ها یا همزمان در کنار یکدیگر زیسته‌اند یا حتی جانشین دیگری شده‌اند [۲۰]. در واقع حقوق کیفری به‌منظور پیشگیری مستقیم از حوادث علیه تمامیت جسمانی به‌سوی توسعه جرائم پیشگیرانه یا جرائم مانع یا به‌عبارت دیگر جرم‌انگاری رفتارهای پُرخطر، رفتارهای مولد و عامل خطر، صرف‌نظر از نتیجه‌ی زیانبار آن روی

آورده است [۲۱]. در این بستر فکری، جرم «در معرض خطر قرار دادن جان دیگری»، در سال ۱۹۹۴ در قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شد.<sup>۱</sup> پیش از آن البته قانونگذار، مقرراتی را در زمینه احتیاط و امنیت پیش‌بینی و ضمانت اجرایی نیز برای آن در نظر گرفته بود، اما در معرض خطر قرار دادن امنیت دیگری، با واکنش کیفری همراه نبود. در واقع این اقدام زمانی قابل مجازات بود که خطر محقق شده باشد. در این فرض مجازات فرد براساس شدت نتیجه تعیین می‌شد. مجازات نقض «تعهد بر امنیت و احتیاط» مستلزم لطمه و تعرض واقعی به حیات یا تمامیت جسمانی بزه‌دیده بود و عنوان مجرمانه آن نیز قتل یا جرح غیرعمدی تعیین می‌شد. نتیجه چنین رویکردی این بود که فرد ایجادکننده خطر غیرمنتظره به نتیجه‌ای که زندگی دیگری را در معرض خطر قرار داده بود نمی‌توان شدیدتر از کسی که به دلیل نداشتن مهارت یا بی‌توجهی مرتکب جرم شده باشد مجازات کرد. از این رو به منظور اصلاح و ایجاد راه حل برای این وضعیت غیرعادلانه، قانونگذار تصمیم گرفت در چارچوب «جرم پیشگیرانه» ماده ۱-۳۲۳ را که متضمن ایجاد جرم در «معرض خطر قرار دادن آگاهانه دیگری» بود در قانون مجازات وارد کند [۸].

براساس این ماده «قرار دادن دیگری در معرض ریسک مرگ بلافاصله یا جرمی که می‌تواند منتهی به قطع عضو یا معلولیت از طریق نقض آشکارا و آگاهانه یک تکلیف امنیت یا احتیاط

۱. بر عکس رویکرد حقوق کیفری فرانسه در پیش‌بینی جرم عامی با عنوان جرم به خطر اندازی، در حقوق کیفری آلمان، مصادیق متوجه و متعددی ناظر به استفاده از قید به خطر اندازی وجود دارد که رویکرد این قانونگذار را به‌شکلی صریح در حمایت از خطرهای آینده نشان می‌دهد. به موجب قانون جزایی آلمان- در نسخه انگلیسی متعلق به سال ۲۰۱۰- می‌توان بالغ بر صد مورد استفاده از لفظ به خطر اندازی را مشاهده کرد که از میان این موارد، معادل دست‌کم بیست مورد جرم با ماهیت به خطر اندازی به رسمیت شناخته شده است. برای مثال در بند ۱ از ماده ۳۰۳ مقرر شده که «هرکس که باعث جاری شدن سیل شود و در نتیجه آن جان یا تمامیت جسمانی شخص دیگر یا سایر اموال با ارزش متعلق به دیگری را در معرض خطر قرار دهد، به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد». در این جرم، اهمیت مصداق خطر اندازی سبب شده است که دامنه شایان توجهی از مجازات نیز به آن تسری یابد. در یکی دیگر از مصادیق مهم به خطر اندازی، ماده ۳۱۵ ج با عنوان «به خطر اندازی ترافیک جاده‌ای» مصادیق مختلفی را در ضمن سه بند ذکر کرده است که از جمله آنها می‌توان رانندگی در حین مستی یا نقص جسمی و روانی، یا نقض فاحش مقررات راهنمایی و رانندگی از جمله رعایت نکردن حق تقدم، رانندگی نادرست در نزدیکی گذرگاه‌های عابر پیاده، رانندگی نامناسب در مکان‌هایی که دید اندکی وجود دارد و ... را نام برد که سبب در معرض خطر قرار گرفتن جان یا اعضای بدن و اموال دیگری می‌شود و حداکثر پنج سال حبس یا جزای نقدی معادل آن برای آن در نظر گرفته شده است. در ماده قبل از آن یعنی ماده ۳۱۵ ب نیز اختلال خطرناک جاده‌ای مانند رفتارهای ناقض ایمنی جاده‌ای همچون ایجاد مانع، تخریب جاده و امکانات آن یا دیگر اقدامات خطرناک مشابه جرم‌انگاری شده است. این رفتارها مشمول حداکثر پنج سال حبس یا جزای نقدی معادل آن می‌شود و شرط آن در معرض خطر قرار گرفتن جان و اموال دیگران است.

مقرر شده توسط قانون یا آیین‌نامه شود، مستوجب یک سال حبس و ۱۵۰۰۰ هزار یورو جزای نقدی خواهد بود». برای تحقق این جرم جمع سه شرط اساسی است: ۱. نقض یک تکلیف خاص از طریق فعل یا ترک فعل؛ ۲. قرار دادن دیگری در معرض خطر تهدید؛ ۳. نقض آشکار و آگاهانه قواعد. ریسک در این فرض نه به‌عنوان شرط مقدم و پیشین که جزء رفتار مجرمانه مرتکب است. در حقوق کیفری ایران، قانونگذار، بی‌مبالاتی یا رعایت نکردن نظامات را تنها در صورتی که منتهی به نتیجه شده باشد، قابل مجازات می‌داند. براساس ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات، در صورتی که قتل غیرعمد به‌واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد. یعنی تا قبل از تحقق نتیجه، امکان مداخله کیفری وجود ندارد. این خلأ امروزه به‌ویژه در حوزه مقررات ناظر به محیط کار، بهداشت و سلامت و نیز راهنمایی و رانندگی وجود دارد و مناسب است در اصلاحات لایحه قانون تعزیرات لحاظ شود.

در نبود سیاستی یکپارچه در این خصوص و کم‌توجهی قانونگذار در جرم‌انگاری رفتارهای خطرناکی که ممکن است حیات و سلامت شهروندان را در معرض خطر قرار دهد، رئیس قوه قضاییه، در اجرای بندهای دوم و سوم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی و با توجه به احکام مقرر در مواد ۹۰ خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶ که مدیران و سرپرستان بلافصل در دستگاه‌های اجرایی را مسئول نظارت، کنترل و حفظ روابط سالم کارمندان خود در انجام وظایف محوله و موظف به رعایت قانون و اجتناب از هرگونه رفتار ناقض قانون اعم از فعل یا ترک فعل می‌داند و با لحاظ اینکه ترک وظایف قانونی مدیران و اهمال و سهل‌انگاری در اجرای قانون و عدم اعلام جرائم و تخلفات ارتكابی در حوزه تحت تصدی، موجب مسئولیت قانونی آنان است، دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان را تهیه و تصویب کرد. جهت‌گیری این دستورالعمل پیشگیرانه است و تکالیفی نیز برای دستگاه‌های مختلف متصدی ایجاد کرده است، اما فاقد ضمانت اجراست.

#### ب) ابعاد پیشگیرانه جرم در معرض خطر قرار دادن جان دیگری

به لحاظ نظری، عمل در معرض خطر قرار دادن جان دیگری، تقصیر غیرعمد است،<sup>۱</sup> زیرا مرتکب در پی تحقق نتیجه نیست. با وجود این، رفتار وی از این جهت که خطر را به‌طور آگاهانه اتخاذ

۱. براساس ماده ۱۴۵ قانون مجازات - تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیرعمد اعم از شبه‌عمد و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.



کرده است، به تقصیر عمدی نزدیک می‌شود. این اقدام وی را می‌توان نوعی بی‌اعتنایی و نداشتن آینده‌نگری آگاهانه تلقی کرد، بدین توضیح که مرتکب عامدانه، تعهد امنیت یا احتیاط را نقض می‌کند و از نتایج زیانبار احتمالی ناشی از رفتار خود نیز آگاه است. اما امیدوار است که چنین نشود. در واقع، علاوه بر نقض تعهد امنیت و احتیاط، تقصیر یا خطا را نیز مرتکب می‌شود که در اینجا عبارت است از پذیرش ریسک آگاهانه قرار دادن جان دیگری در معرض خطر [۱]. از این‌رو فایده‌ایجاد چنین عنوان مجرمانه‌ای، آشکار است و آن عبارت است از متوقف کردن یک رفتار خطاکارانه و مقید نکردن مجازات مرتکب به وقوع حادثه. از این‌رو این مداخله قانونگذار کارکرد پیشگیرانه خواهد داشت تا بدین طریق رفتاری بسیار خطرناک را قبل از منتهی شدن به نتیجه، مجازات و در واقع از آن پیشگیری کند. این اقدام به‌درستی می‌تواند به مسئول‌سازی فرد مرتکب کمک کند. به‌عبارت دیگر، هدف در واقع امتناع از تجدید چنین رفتار خطرناکی است که در صورت ادامه، به زیان به جسم و جان دیگری منتهی می‌شود.

اگرچه خطر تصادفات جاده‌ای به‌تنهایی برای توجیه این جرم‌انگاری‌های پیشگیرانه کافی است، جرم‌انگاری جدید، می‌تواند دیگر رفتارهای آگاهانه‌ای را که دیگری را در معرض خطر مرگ یا تعرض شدید به تمامیت جسمانی قرار می‌دهد، صرف‌نظر از محیط تحقق و ارتکاب در برگیرد. این جرم‌انگاری البته آثار متعددی در حوزه پیشگیری از تکرار حوادث جاده‌ای خواهد داشت و البته منتهی به اصلاح برخی مقررات آیین دادرسی کیفری نیز خواهد شد.

بر اساس ماده ۶ نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان، در صورتی که بازرسان کار یا کارشناسان بهداشت، موضوع ماده ۱۰۵ قانون کار، مصوب ۱۳۶۹ در بازرسی از کارگاه‌ها، احتمال بروز خطر یا حادثه را در اثر رعایت نکردن موازین و مقررات اطلاع دهند، با اعلام مقام مسئول، دادستان به قید فوریت و خارج از نوبت قرار تعطیل و لاک‌ومهر صادر می‌کند. دادستان‌ها نیز موظف شده‌اند در راستای حفظ حقوق عمومی و پیشگیری از حوادث مخاطره‌آمیز اعلام کنند و به‌نحو مستمر و مؤثر وظیفه بازرسی از کارگاه‌ها را انجام دهند و در صورت بروز سوانح، برای تعقیب مسئولان دستگاه‌های مذکور که بروز سانحه ناشی از اهمال و ترک فعل آنان است اقدام مقتضی را معمول دارند. علاوه بر این، سازمان بازرسی کل کشور نیز براساس بند چ ماده دستورالعمل پیش‌گفته مکلف است در مواردی که انجام ندادن وظایف

قانونی دستگاه‌ها، سبب احتمال بروز خطر یا حادثه یا خسارت به منابع عمومی در اثر رعایت نکردن موازین و مقررات و نظامات دولتی شود، به مقامات ذی‌ربط هشدار دهد.

این ایده در مقررات مختلف و پراکنده مانند ماده ۵۵ قانون شهرداری با اصلاحات و الحاقات بعدی، تبصره ۴ ماده ۲ و ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، تبصره ۳ ماده ۶ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸، ماده ۲۱ قانون مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۸، تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی، ماده ۳۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، ماده ۴۹ قانون توسعه و تقویت نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶، ماده ۲۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز وجود دارد، اما اغلب با ضمانت اجراهای اداری صرف مواجه است. به عبارت دیگر حقوق ایران از یک نظریه عمومی جرم‌پیشگیرانه رنج می‌برد [۳].

بدین ترتیب فواید پیشگیرانه این تدبیر را می‌توان ذیل سه محور شرح داد: ابتدا اینکه از این طریق قانونگذار یک اقدام قبل از تحقق نتایج فاجعه‌بار را مجازات می‌کند. در واقع قانونگذار منتظر نمی‌ماند تا عمل انجام گیرد و سپس مداخله کند، بلکه مجازات توأم با اقتدار را به صورت افتراقی تلطیف و منطبق می‌کند. برای مثال سرعت غیرمجاز را برحسب اینکه منتهی به صدمه به دیگری شده باشد یا خیر و اینکه محل آن جاده بیابانی، روستا، شهر و در ساعت پرزدحام باشد را افتراقی کرده است و دغدغه خود مبنی بر پیشگیری از بی‌توجهی اخلاقی موجود در تعداد زیادی از افراد را نیز علنی می‌کند؛ افرادی که ناتوان از کنترل و مدیریت خودخواهی خویش و تبعیت از اقتضائات و الزامات زندگی اجتماعی هستند؛ شرایط و معیارهایی که می‌تواند در جرم‌انگاری این نوع رفتارها لحاظ شود. همه شرایط جرم‌انگاری این رفتار را می‌توان ذیل دو عنصر تحلیل کرد: نقض آشکار عامدانه یک تعهد خاص ایمنی یا احتیاط (الف) و در معرض خطر قرار دادن جان دیگری (ب).

#### الف) نقض آشکار عامدانه یک تعهد خاص ایمنی یا احتیاط

اجرای ماده ۱-۲۲۳ در حقوق فرانسه مستلزم این است که ثابت شود یک تعهد خاص پیش‌بینی شده در قانون وجود دارد. یعنی یک قانون یا آیین‌نامه به‌طور خاص اتخاذ تدابیر احتیاطی یا خودداری از انجام دادن برخی امور را پیش‌بینی کرده باشد. از این رو نقض هر نوع تعهد احتیاط یا امنیت مورد نظر نیست. خود ماده قانونی به منشأ و ویژگی این تعهد پرداخته

است. بدین ترتیب، تعهد احتیاط یا امنیت باید صراحتاً در یک متن قانونی یا آیین‌نامه پیش‌بینی شده باشد. از این‌رو قاضی نمی‌تواند این تعهد را با مقایسه رفتار مرتکب با رفتار پدر خوب خانواده یا متخصص حرفه‌ای خوب در شرایط مشابه و از طریق توسل به قیاس استنباط کند. به همین دلیل قانونگذار برای کاهش ابهام در خصوص محتوای این جرم و رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، لازم دانسته است که تعهد نقض‌شده مطلقاً بیان شده باشد. بسیاری از مقررات قانون کار و قانون عبور و مرور در جاده، دربردارنده چنین تعهدی هستند. با این حال تفاسیر ارائه‌شده از این ماده مضیق است [۲۳]. در واقع از آنجا که این ماده از واژه «آیین‌نامه» صحبت می‌کند، قانونمندی آن ممکن است در مقابل قاضی کیفری محل بحث قرار گیرد. در همین زمینه، دیوان عالی فرانسه معتقد است تعهد احتیاط یا امنیت باید ناشی از قانون یا آیین‌نامه در مفهوم قانون اساسی آن باشد. این دیوان در همین راستا، تعهد احتیاط و امنیت برآمده از یک مصوبه فرمانداری را در خصوص ساختمانی که اعلام کرده بود محیط آن آلوده است و مالک باید وضعیت آن را بر قانون منطبق کند نپذیرفت. آیین‌نامه یک تصمیم اداری با ویژگی کلی و غیرشخصی است. در این مورد برعکس یک تصمیم اداری فردی مطرح است، از این‌رو قرار دادن دیگری در معرض خطر مرگ یا جرح به دلیل رعایت نکردن آیین‌نامه‌های داخلی یک شرکت یا یک باشگاه ورزشی مشمول این ماده نیست.

منظور از تعهد به احتیاط این است که هر شخص اصولاً به نتایج رفتار خود می‌اندیشد. منظور از تعهد امنیت در واقع الزام به تعرض نکردن به حیات یا تمامیت جسمانی افراد است. البته در اینجا هر نوع تعهد و الزام مورد ناظر نیست، بلکه تعهد باید خاص و مستند به قانون و آیین‌نامه باشد.

تعهدات و الزامات این حوزه را می‌توان به عام و خاص تقسیم کرد. منظور از تعهدات عام، الزامات رفتاری است که هر فردی باید به‌منظور عدم تعرض به حیات یا تمامیت جسمانی دیگری رعایت کند. برای مثال براساس ماده ۱-۲۳۳ قانون کار فرانسه، آمایش مؤسسات و اماکن باید به‌گونه‌ای باشد که امنیت کارگران را تأمین کند. براساس ماده ۱-۱۱ قانون امور جاده‌ای، رانندگان باید به‌گونه‌ای رانندگی کنند که زمان و امکان کنترل و مدیریت سرعت را داشته باشند. مواد ۶-۲۲۱، ۱۹-۳۳۲ و ۱-۶۲۲ قانون مجازات فرانسه از هر فرد در جامعه می‌خواهد محتاط و مراقب باشد. رعایت نکردن این هنجارهای رفتاری با نوعی ابهام همراه است. به‌عبارت دیگر، از آنجا که قانونگذار نمی‌تواند در نوع رفتاری که هر شهروند باید داشته باشد وارد جزئیات شود، این اقدامات قاعدتاً از شمول ماده ۱-۳۲۳ خارج است [۲]. اما برعکس تعهدات خاص احتیاط و امنیت که یک مدل رفتاری خاص را تعیین و اعلام می‌کند و دقیقاً

مشخص می‌کند فرد در هر کدام از این موقعیت‌ها چه رفتاری باید پیشه کند، موضوع این ماده است. برای مثال رانندگان وسایل حمل‌ونقل مواد خطرناک با وزن نهایی بیش از دو تن، نباید در اتوبان از سرعت ۸۰ کیلومتر تجاوز کنند. اما این الزامات رفتاری باید در هر صورت در قانون یا آیین‌نامه پیش‌بینی شده باشد.

بدین ترتیب، تعهد به احتیاط و امنیت زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که دارای وصف «خاص» باشد. از این‌رو مؤاخذه بابت تعهد عام از شمول این ماده خارج است. صرف بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی، موضوع این ماده نیست، از این‌رو تعمیرکاری را که نقص ترمز به‌هنگام کنترل خودرو قبل از حرکت را کشف نمی‌کند، نمی‌توان به استناد این ماده مؤاخذه کرد. دادستان باید ثابت کند که یک رفتار مشخص و خاص توسط قانون از وی خواسته شده و وی آن را رعایت نکرده است. برای مثال یک شهردار متهم شده بود تدابیر لازم برای دفع موقت آثار یک آلودگی مضر برای سلامت انسان را اتخاذ نکرده است، تحت عنوان در معرض خطر قرار دادن دیگری تعقیب شد. البته این امکان وجود داشت که افزایش آلودگی، ساکنان یک منطقه را در معرض خطر شدید قرار دهد، اما در این مورد دادگاه‌ها معتقد بودند که قانون به‌طور کلی اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و توقف هر آلودگی یا اقدام تهدیدکننده امنیت در قلمرو صلاحیت سرزمینی بخش یا منطقه را به شهردار محول کرده است، اما تعهد خاص مورد نظر ۱-۲۲۳ برای وی ایجاد نشده است و این یک تعهد عام است. وی به‌طور خاص مکلف نبوده است در چنین شرایطی تعهد خاصی را اجرایی کند. بنابراین امکان تعقیب وی به‌دلیل کافی نبودن تدابیر احتیاطی اتخاذی وجود ندارد [۲۱].

البته این الزام به تصریح به تعهد خاص مانع از این نیست که تعهدات حاکم بر همه را نادیده بگیریم. مهم این است که این نوع تعهدات، تکلیف به انجام دادن یا ندادن عمل را مشخص کند. بدین بیان، دیوان در مورد راننده‌ای که عبور خطرناک از یک محل داشت، اعلام کرد اقدام وی مشخصاً موضوع مواد ۱۴-۴۱۳ و ۱۴-۴۱۳ قانون امور جاده‌هاست که راننده را ملزم می‌کند خودرو خود را نزدیک کناره راست راه شوسه نگه دارد. این تعهد خاصی است که رفتار مشخصی را هدف قرار داده است.

زیان احتمالی باید آشکارا مهم باشد. عمل انجام‌شده باید دیگری را در معرض خطر مرگ یا جرح منتهی به قطع عضو یا نقص دائمی قرار دهد. یعنی هر خطر شدید که در این مرحله به‌طور دقیق نتوان آن را تعیین کرد نتیجه آن چه خواهد شد؟ در ضمن مهم نیست فرد در معرض خطر، یک شخص معین باشد یا نباشد، ولی لازم است مرتکب از حضور وی در آن محل مطلع باشد. در واقع خطر در اینجا خطر تئوریک نیست که از یک نقض تعهد اساسی حاصل

شود. واقعیت خطری که دیگری، در برابر آن قرار گرفته است، باید بررسی شود. بر همین اساس، عبور خودرو از چراغ قرمز در زمانی که دید راننده خوب است و هیچ کس از روبه‌رو حرکت نمی‌کند کافی برای تحقق این جرم نیست، اما در همین فرض اگر خودرو روبه‌رو از اولویت مطلق که چراغ سبز به وی داده است استفاده و حرکت کند، جرم محقق است. در این فرض خطر مسلم و آشکار است و احتمال حادثه جسمی شایان توجه است [۲۱].

اغلب این خطر محل بحث از طریق زبانی که چنین خطایی ممکن است برای مال، مالک آن و یا سرنشینان به‌همراه داشته باشد تأیید و اثبات می‌شود. با وجود این، جرم محل بحث، چیزی جز یک جرم مانع نیست. زیرا رفتار خطرناکی است که قانونگذار آن را با هدف پیشگیری جرم‌انگاری کرده است. به همین دلیل هیچ لطمه‌ای به حیات یا تمامیت جسمانی دیگری نباید حاصل شود. حال اگر زیان وارد شد، عنوان اتهامی به قتل یا خشونت غیرعمدی شدید تغییر می‌کند. از این‌رو در این بحث زیان احتمالی است. مهم این است که ثابت شود این احتمال وجود دارد. باید قاضی رسیدگی‌کننده را قانع کرد که یک رابطه بین خطر و نتیجه احتمالی وجود دارد.

براساس ماده ۱-۲۲۳ قانون مجازات فرانسه، قانونگذار به‌دنبال مجازات «بی‌توجهی» نبوده است، بلکه به‌نوعی ضدیت فرد با یک ارزش اجتماعی را هدف قرار داده است. از این عبارت، وجود یک اراده استنباط می‌شود؛ یعنی مرتکب با اطلاع اقدام کرده است. این امر مستلزم این است که مرتکب از تعهد احتیاط یا امنیت آگاهی دارد. ولی آیا لازم است بر خطر نیز آگاهی داشته باشد. البته اطلاع از غیرقانونی بودن رفتار به‌عنوان یک عنصر خاص قصد، در اینجا محل بحث نیست. زیرا اصل بر این است که هر کس به قانون آگاه فرض می‌شود، مگر مرتکب ثابت کند دچار اشتباه حکمی شده یا تحصیل عملاً برای وی ممکن نبوده است [۲۴].

در خصوص اطلاع از خطر، مشکلی جدی وجود دارد. در واقع به سه شکل می‌توان به موضوع پرداخت: ابتدا اینکه بپذیریم در غیرقانونی بودن رفتار، نوعی فرض بر اطلاع از در «خطر قرار دادن دیگری» وجود دارد. زیرا با توجه به موضوع تعهد به احتیاط یا ایمنی، قانون، رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که به خطرناکی شهره‌اند. یا اینکه انطباق رفتار مورد سرزنش مرتکب بر عمل جرم‌انگاری شده فرض ساده در خطر قرار دادن را ایجاد می‌کند، مگر اینکه مرتکب ثابت کند در شرایط و اوضاع و احوالی بوده که بی‌نظمی او برای دیگری هرگز ایجاد خطر محسوب نمی‌شده است یا اینکه براساس یک دیدگاه رادیکال چنین تصور کنیم که اصطلاح «تعهد بر احتیاط و امنیت» هرگز نمی‌تواند یک فرض خطر را ایجاد کند.

### ب) در معرض خطر قرار دادن

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که قانونگذار در این ماده، به دنبال حمایت از اشخاص بوده است و نه اموال. حال باید دانست منظور از ریسک و در معرض قرار دادن چیست؟ حقوق کیفری، همان طور که در راستای تضمین حمایت حداکثری از تمامیت جسمانی، هر نوع اقدام و تعرض واقع شده را مجازات می‌کند، در یک رویکرد پیشگیرانه و قبل از فعلیت یافتن اقدام علیه تمامیت جسم و ورود خسارت، خطری را که آن را تهدید می‌کند نیز مجازات می‌کند. در واقع قانونگذار با این جرم‌انگاری به قضات اجازه داده است قبل از تحقق خسارت و لطمه جسمانی و روانی مداخله کنند. در این حوزه تفکیک جرائم مادی و جرائم شکلی ضروری به نظر می‌رسد. این جرائم پیشگیرانه اشکال مختلف در معرض خطر قرار دادن دیگری را در بر می‌گیرد. رفتارهای مجرمانه مختلفی را از جمله رها کردن فردی که قادر به محافظت از خود نیست، خواه به دلیل سن یا حالت جسمانی و روانی نیز در ذیل عنوان در معرض خطر قرار دادن قابل بررسی است. اما در اینجا به طور خاص جرم «ایجاد خطر برای دیگری» موضوع ماده ۱-۲۲۳ قانون مجازات فرانسه بررسی می‌شود. این جرم عبارت است از قرار دادن زندگی یا تمامیت جسمانی دیگری در معرض خطر خاص. این جرم‌انگاری اجازه می‌دهد که رفتارهای خطرناک به‌ویژه در حوزه امنیت جاده و کار را مجازات کرد. این جرم‌انگاری در واقعی نوعی جرم مانع یا پیشگیری است که شرایط را برای مجازات، پیشگیری از قتل یا خشونت‌های غیرعمدی شدید فراهم می‌کند. از این رو شرط مجازات تحقق یا نتیجه ورود زیان نیست. با این حال، جرم‌انگاری این رفتار موجب بحث‌های فراوانی شده است. عده‌ای آن را تهدیدکننده فعالیت اقتصادی می‌دانستند. زیرا به عقیده آنان این اقدام ممکن است موجب تضعیف قدرت ابتکار افراد شود. این دسته به خصوصیت نامعلوم و مبهم بودن آن و دشواری در تعیین خطرناکی واقعی استناد کردند [۳۱]. همین اختلاف نظر در نهایت سبب شد قانونگذار دایره آن را محدود کند و در یک رویکرد مضیق شرایط سختگیرانه برای آن در نظر گیرد. به همین دلیل متن قانونی به‌نوعی پیچیده شد و اجرای آن نیز در عمل دشوار شد.

### نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از بررسی قوانین داخلی و خارج از نظام قضایی ایران برمی‌آید، نظام عدالت کیفری کشور در تبیین سیاست جنایی، جرم‌انگاری و اجرا در حوزه کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز و افعالی که جان دیگران را در معرض خطر قرار می‌دهد مستلزم بازنگری اساسی است. دیدگاه مقنن ایران که عمدتاً مبتنی بر فقه امامیه است، عموماً معطوف به جرم‌انگاری و مجازات افعالی

است که منتهی به ایجاد صدمه و ضرر می‌شوند و به‌طور معمول تمایلی از خود به تعیین رفتارهای پرخطر ریسک‌پذیر که هنوز منتهی به وقوع نتیجه مجرمانه نشده‌اند به‌عنوان فعل مجرمانه قابل مجازات از خود نشان نمی‌دهد، حال اینکه در عصر پیچیدگی زندگی و رفتارهای اجتماعی که بالطبع، نحوه مقابله با کنش‌های مجرمانه را نیز سخت و پیچیده می‌کند، جامعه نمی‌تواند منتظر آن بماند که اعضای مسئولیت‌ناپذیرش با ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز، جان و مال دیگران را به خطر اندازند و خسارت جبران‌ناپذیری وارد کنند. از این‌رو اجتناب‌ناپذیر است که سیاستگذار جنایی ایران همگام با پیشرفت نظام حقوقی- قضایی جهان از خود در قبال رفتارهای غیرمسئولانه و مخاطره‌آمیز آن قشر از جامعه که به حقوق عامه توجهی نمی‌کنند واکنش جدی نشان دهد و با تدوین سیاستی فراگیر در مراحل قانونگذاری، نظارت و اجرا به پیشگیری از بروز این نوع رفتارها و صیانت از جان، جسم و مال شهروندان بپردازد.

## منابع

- [۱]. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۹). *بزه‌انگاری عدم انجام تدابیر پیشگیری از بزه‌کاری*، زیر نظر دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، معاونت حقوقی رئیس جمهور.
- [۲]. املی، پاتریک (۱۳۹۸). *جرم و ریسک*، ترجمه یزدان صیقل و امیر ایرانی، نشر جنگل.
- [۳]. امید، جلیل (۱۳۹۸). «مسئولیت دادستان در پیشگیری از حوادث زیانبار؛ با نگاهی به حادثه پلاسکو»، در: *افق‌های نوین حقوق کیفری: مجموعه مقالات در نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقای‌نیا*، تهران: میزان.
- [۴]. ایارگر، حسین (۱۳۹۶). *نظارت بر مجرمان خطرناک (رویکرد حقوقی- جرم‌شناختی)*، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- [۵]. ایرانی، امیر (۱۳۹۸). *جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری رفتارهای مخاطره‌آمیز*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز.
- [۶]. بن فیس، فیلیپ (۱۳۸۶). *تحولات اخیر حقوق کیفری اطفال فرانسه در پرتو قانون پیشگیری از بزه‌کاری ۵ مارس ۲۰۰۷*، ترجمه شهرام ابراهیمی، *مطالعات پیشگیری از جرم*، سال دوم، شماره چهارم، ص ۱۸۰-۱۵۹.
- [۷]. پاکنهاد، امیر (۱۳۹۴). *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، چ دوم، تهران: میزان.
- [۸]. پرادل، ژان (۱۳۸۶). *جرائم علیه اشخاص (آسیب‌های جسمی)*، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
- [۹]. جلالی، محمود؛ و موسوی، زینب‌سادات (۱۳۹۵). *جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان آن*، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳) ص ۷۳-۹۹.
- [۱۰]. حسینی، سید محمد؛ ساعدی، زهرا؛ و صادقی، آزاده (۱۳۹۱). «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۶، شماره ۷۹، ص ۱۷۸-۱۵۵.
- [۱۱]. دنی، دیوید (۱۳۹۳). *ریسک و جامعه*، ترجمه صالح کاشانی محمدی، انتشارات پژوهشکده بیمه.
- [۱۲]. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶). *مفهوم خطرناکی در علوم جنایی*، تهران: میزان.
- [۱۳]. رضوانی، سودابه (۱۳۹۱). *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*، تهران: میزان.



- [۱۴]. زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۴). *جهانی شدن حقوق کیفری (در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه‌دیدگی)*، تهران: میزان.
- [۱۵]. صفاری، علی؛ و صابری، راضیه (۱۳۹۶). «هشداررسانی؛ ضابطه اصلی رفع مسئولیت در پیشگیری وضعی خطرناک از جرم»، پژوهش حقوق کیفری، دوره پنجم، شماره ۱۸، ص ۲۱۰-۱۶۵.
- [۱۶]. عبداللهی، افشین؛ و بهرامی، هیمن (۱۳۹۰). «توجه به حالت خطرناک برای مدیریت و کنترل بزهکاری»، *تعالی حقوق*، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، ص ۱۲۴-۱۱۳.
- [۱۷]. فروغی، فضل‌الله؛ و ایرانی، امیر (۱۳۹۷). «بازشناسی معیارمدار از تحولات ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۱۶۵-۱۴۳.
- [۱۸]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۴). *دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر)*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۹]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و رضوانی، سودابه (۱۳۹۴). «سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱۲، ص ۴۲-۹.
- [۲۰]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ و بابایی، محمدعلی (۱۳۸۳). «جرائم مانع (جرائم بازدارنده)»، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ویژه‌نامه (پیاپی ۳۷)، ص ۴۸-۲۳.
- [۲۱]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). *جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیباچه در: جرم‌شناسی فراملی به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران: میزان.
- [22]. Bevir M.; & Rhodes R. A. W. (2003) *Interpreting British Governance*. London: Routledge.
- [23]. D. Caron et Cl. Carbonaro, Risques causés à autrui, J.-Cl. Pénal, art. 223-1 et 223-2.
- [24]. Jérôme Lasserre, Rôle du juge en matière de risques causés à autrui, AJ Pénal 2020.
- [25]. Marc Puech (1994). De la mise en danger d'autrui, Recueil Dalloz.
- [26]. Pascal Beauvais, L'infraction-obstacle terroriste à l'épreuve du contrôle constitutionnel de nécessité, RSC 2018.
- [27]. Pratt, John; & Dickson, Marny (1997). "Dangerous, Inadequate, Invisible, Out: Episodes in the criminological career of habitual criminals", *Theoretical Criminology*, 1(3), pp: 363-384.

- 
- [28].Pratt, John (2001). "Dangerosite, risqué et technologies du pouvoir", *Criminologie*, 34(1), pp: 103-121.
- [29].Pratt, John. (1998). "Dangerousness, Risk and Technologies of Power", in P. O'Malley (Ed), *Crime and the Risk Society Bristol: Ashgate*, pp: 300-327.
- [30].Y. Mayaud (2007). Risques causés à autrui, *Rép. pén*, n° 27 s.
- [31].Véronique Cohen-Donsimoni, L'entreprise face à l'émergence du délit de risques causés à autrui, *AJ Pénal* 2016 p.356.